



دانشگاه قم

دانشکده آموزش های الکترونیکی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان :

## موانع اجرای احکام در حقوق کیفری ایران

استاد راهنما :

دکتر محمود آخوندی

استاد مشاور :

دکتر ابوالفتح خالقی

نگارش :

لیلی رفیعیان

بهار ۱۳۹۰

## « تقدیم »

با کمال افتخار این اثر ناچیز را به پدر و مادر فداکارم که ریشه انسانیت را در من بنا نهادند و همواره در کسب دانش راهنما و مشوقم بودند و نیز به همسر عزیزم که با تحمل سختی‌ها در به ثمر رسیدن کار تحقیقی حاضر مرا یاری داد؛ تقدیم می‌نمایم و از خداوند متعال سلامتی و سعادت آنان را مسئلت دارم.

## « من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق »

وظیفه خود می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌های بی‌دریغ استاد فرزانه و ارجمند جناب آقای  
پروفسور آخوندی که به‌عنوان استاد راهنما اینجانب را در نگارش پایان‌نامه یاری دادند تشکر و  
قدردانی می‌نمایم. همچنین مراتب سپاس و قدردانی خویش را از استاد حکیم و محترم مشاور،  
جناب آقای دکتر خالقی اعلام و ابراز می‌نمایم و از حضرت باری تعالی توفیقات روزافزون آن  
بزرگواران را مسئلت دارم.

لیلی رفیعیان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

## چکیده :

فوریت و قاطعیت در اجرای احکام کیفری لازمه دستیابی به اهداف پیش بینی شده برای مجازات هاست. مع الوصف با مذاقه در مقررات موضوعه و رویه قضایی با عواملی مواجه می شویم که وجود یا حدوث آنها مانع اجرای مجازات است. این عوامل گاهی موجب عدم اجرای مجازات می شوند و گاهی از موجبات تاخیر در اجرای مجازات به شمار می روند.

موانع نخست که شامل موارد سقوط مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات و آزادی مشروط می گردند، سبب منتفی و متعذر شدن اجرای مجازات مقرر در حکم دادگاه می شوند در حالی که موانع دسته دوم بدون اینکه اجرای حکم را بطور کلی منتفی نمایند باعث به تاخیر افتادن اجرای مجازات می گردند و حکم صادره پس از رفع مانع مستحده، بی درنگ به اجرا در می آید. موانع اخیر در برخی موارد عمومیت داشته و در پاره ای موارد مصادیق خاص را در بر می گیرند. موانع اجرای احکام کیفری غالباً در مقررات مختلف و پراکنده مورد اشاره مقنن قرار گرفته و بعضاً مورد سکوت واقع شده است.

در هر حال در فرآیند اجرای حکم کیفری و در مواجهه با موانع مزبور لازم است با استناد به مقررات موضوعه و با تاسی از فقه اسلامی و با توسل به رویه قضایی و با تکیه بر اصول حقوق کیفری از جمله اصل فردی کردن مجازات و اصل شخصی بودن مجازات و اصل اجتناب از مجازات مضاعف تصمیم قضایی مقتضی اتخاذ شود. بی شک تشریح مقررات واحد و جامع تحت عنوان «قانون اجرای احکام کیفری» و گردآوری و تنقیح رویه های قضایی و ایجاد وحدت رویه در اجرا و آموزش قضات اجرای احکام می تواند زمینه ساز هر چه بهتر اجرای کیفر و اجتناب از اعمال سلايق شخصی و حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات باشد.

**واژگان کلیدی:** مجازات، آیین دادرسی کیفری، اجرای احکام، موانع اجرای مجازات

## فهرست

صفحه	عنوان
۱	۱. مقدمه
۲	۱-۱ بیان موضوع تحقیق
۳	۲-۱. اهمیت تحقیق
۳	۳-۱. اهداف تحقیق
۳	۴-۱. پرسش‌های تحقیق
۴	۵-۱. فرضیات تحقیق
۴	۶-۱. پیشینه تحقیق
۴	۷-۱. جنبه نوآوری تحقیق
۶	۲. موانعی که موجب عدم اجرای مجازات مقرر در حکم دادگاه می‌گردند
۷	۱-۲. موانع دائمی عام اجرای احکام کیفری
۸	۱-۱-۲. فوت محکوم علیه
۱۳	۲-۱-۲. گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت
۱۳	۱-۲-۱-۲. شرایط گذشت شاکی خصوصی
۱۵	۲-۲-۱-۲. جرایم قابل گذشت
۱۸	۳-۲-۱-۲. آثار گذشت در جرایم مختلف
۱۹	۳-۱-۲. عفو

۱۹	۱-۳-۱-۲. مفهوم عفو و انواع آن
۲۱	۱-۳-۱-۲. عفو عمومی
۲۲	۲-۳-۱-۲. عفو خصوصی
۲۳	۲-۳-۱-۲. قلمرو و دایره شمول عفو
۲۵	۳-۳-۱-۲. آثار و نتایج عفو
۲۵	۱-۳-۳-۱-۲. آثار عفو عمومی
۲۶	۲-۳-۳-۱-۲. آثار عفو خصوصی
۲۷	۴-۱-۲. نسخ مجازات قانونی
۳۰	۵-۱-۲. مرور زمان
۳۰	۱-۵-۱-۲. مفهوم و مبانی مرور زمان
۳۲	۲-۵-۱-۲. دایره شمول و قلمرو مرور زمان
۳۵	۳-۵-۱-۲. شرایط اعمال مرور زمان و مواعد قانونی آن
۳۵	۱-۳-۵-۱-۲. شرایط اعمال مرور زمان
۳۷	۲-۳-۵-۱-۲. مواعد قانونی
۳۷	۴-۵-۱-۲. آثار و نتایج مرور زمان
۳۸	۶-۱-۲. موانع دائمی خاص اجرای احکام کیفری
۳۹	۱-۶-۱-۲. فرار محکوم علیه در بزه زناى محصنه
۴۱	۲-۶-۱-۲. فرار شهود در بزه زناى محصنه
۴۲	۳-۶-۱-۲. سقوط اجرای حد قذف
۴۳	۲-۲. موانع مشروط و تبدیلی اجرای احکام کیفری

۴۳	۱-۲-۲. موانع مشروط اجرای احکام کیفری
۴۴	۱-۱-۲-۲. آزادی مشروط
۴۴	۱-۱-۱-۲-۲. مبانی آزادی مشروط
۴۵	۲-۱-۱-۲-۲. قلمرو آزادی مشروط
۴۶	۳-۱-۱-۲-۲. شرایط آزادی مشروط
۴۷	۴-۱-۱-۲-۲. آثار آزادی مشروط
۴۸	۲-۱-۲-۲. تعلیق مجازات
۴۹	۱-۲-۱-۲-۲. مبانی تعلیق مجازات
۵۰	۲-۲-۱-۲-۲. قلمرو تعلیق مجازات
۵۱	۳-۲-۱-۲-۲. شرایط تعلیق مجازات
۵۳	۴-۲-۱-۲-۲. آثار تعلیق مجازات
۵۵	۲-۲-۲. موانع تبدیلی اجرای احکام کیفری
۵۶	۱-۲-۲-۲. عجز محکوم علیه از پرداخت جزای نقدی
۵۸	۲-۲-۲-۲. ترک محل اقامت اجباری یا بازگشت به نقطه ممنوع‌الاقامت
۶۱	۳. موانع تأخیر در اجرای احکام کیفری
۶۲	۱-۱. موانع تأخیری عام اجرای احکام کیفری
۶۳	۱-۱-۳. موانع تأخیری عام پیش‌بینی شده در قانون
۶۴	۱-۱-۱-۳. اعاده دادرسی
۶۵	۲-۱-۱-۳. واخواهی
۶۷	۳-۱-۱-۳. تجدید نظرخواهی

۶۸	۴-۱-۱-۳. محکومیت‌های متعدد
۷۲	۲-۱-۳. موانع تأخیری عام مسکوت در قانون
۷۲	۱-۲-۱-۳. فرار محکوم‌علیه
۷۳	۲-۲-۱-۳. بی‌هوشی در حین اجرای مجازات
۷۴	۳-۲-۱-۳. جنون در حین اجرای مجازات
۷۶	۲-۳. موانع تأخیری خاص در اجرای احکام کیفری
۷۷	۱-۲-۳. موانع قانونی تأخیر در اجرای مجازات قصاص
۷۷	۱-۱-۲-۳. عدم درخواست اجرا
۸۰	۲-۱-۲-۳. عدم پرداخت دیه
۸۱	۱-۲-۱-۲-۳. عدم پرداخت فاضل دیه
۸۲	۲-۲-۱-۲-۳. عدم پرداخت سهم اولیاء دم متقاضی دیه
۸۴	۳-۲-۱-۲-۳. عدم پرداخت سهم اولیاء دم عفو‌کننده
۸۵	۴-۲-۱-۲-۳. عدم پرداخت سهم صغار
۸۶	۳-۱-۲-۳. استیذان ( اذن ولی امر )
۸۸	۴-۱-۲-۳. بیماری
۹۰	۵-۱-۲-۳. موانع ویژه زنان
۹۰	۱-۵-۱-۲-۳. حاملگی
۹۱	۲-۵-۱-۲-۳. نفاس
۹۲	۳-۵-۱-۲-۳. شیردهی
۹۴	۶-۱-۲-۳. سردی یا گرمی هوا



۹۵. ۲-۲-۳. موانع قانونی تأخیر در اجرای مجازات حد
۹۶. ۱-۲-۲-۳. بیماری
۹۸. ۲-۲-۲-۳. سردی یا گرمی هوا
۹۹. ۳-۲-۲-۳. مستی
۱۰۰. ۴-۲-۲-۳. معذور بودن محکوم علیه از عزیمت به محل تبعید
۱۰۱. ۵-۲-۲-۳. درخواست عفو
۱۰۳. ۶-۲-۲-۳. موانع خاص زنان
۱۰۴. ۳-۲-۳. موانع قانونی تأخیر در اجرای دیات
۱۰۵. ۱-۳-۲-۳. لزوم انقضای مهلت مقرر برای پرداخت دیه
۱۰۶. ۱-۱-۳-۲-۳. پرداخت دیه در قتل
۱۰۹. ۲-۱-۳-۲-۳. پرداخت دیه در جراحات و نقص عضو
۱۱۱. ۲-۳-۲-۳. رضایت محکوم له به تأخیر در پرداخت دیه
۱۱۲. ۴-۲-۳. موانع قانونی تأخیر در اجرای مجازات‌های تعزیری و بازدارنده
۱۱۳. ۱-۴-۲-۳. بیماری
۱۱۶. ۲-۴-۲-۳. درخواست عفو
۱۱۷. ۳-۴-۲-۳. موانع ویژه زنان
۱۲۱. ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۲۲. ۱-۴. نتیجه‌گیری
۱۲۵. ۲-۴. پیشنهادات
۱۲۷. منابع و ماخذ

١. مقدمه

## ۱-۱. بیان موضوع تحقیق

اجرای احکام کیفری آخرین مرحله از فرآیند رسیدگی قضایی و به تعبیر دیگر برآیند و نتیجه کلیه اقدامات، تحقیقات، تعقیب، دادرسی و صدور حکم است. اصول مسلم حقوقی از جمله اصل لازم‌الاجرا بودن آراء قضایی و اصل تأخیر ناپذیری مجازات‌ها در کنار مبانی دیگری چون قطعیت، سرعت و دقت در اجرای احکام متضمن تحقق اهداف پیش‌بینی شده برای مجازات‌ها هستند. منتهی در مقررات موضوعه عواملی پیش‌بینی و وضع شده‌اند که موجب عدم اجرای مجازات مقرر در حکم دادگاه یا تأخیر در اجرای آن می‌شوند. به عبارت دیگر جریان اجرای حکم ممکن است با دو گونه موانع مواجه گردد، دسته اول موانعی هستند که موجب توقف و سقوط اجرای احکام می‌شوند و دسته دیگر بدون اینکه اجرای مجازات را منتفی یا ساقط کنند صرفاً سبب تأخیر در اجرای حکم می‌گردند. این دو دسته موانع یاد شده خود اقسامی دارند که به طور مبسوط در کار تحقیقی حاضر به آن پرداخته خواهد شد. لذا تلاش می‌شود ضمن معرفی موانع گوناگون قانونی در مسیر اجرای حکم کیفری راهکارهایی قانونی و رویه‌های موجود در مواجهه با موانع مذکور شناسایی و اثر تحقیقی قابل استفاده‌ای ارائه گردد.

## ۱-۲. اهمیت تحقیق

اگر چه شناخت نقاط کور و مبهم در مسیر اجرای احکام و شناسایی موانع مستحدثه در اجرای حکم و گردآوری تمامی موانع در یک اثر تحقیقی و بررسی راهکارهای مواجهه با آن خود مبین ضرورت و اهمیت کار تحقیقی حاضر است، لیکن توجه به این نکته که اجرای احکام، عصاره کلیه اقدامات تقنینی و قضایی مجموعه عدالت کیفری بوده و بالتبع شناسایی موانع آن و رفع ابهامات مقامات قضایی مجری حکم نقش مؤثری در فرآیند اجرای احکام خواهد داشت، ما را به ضرورت و اهمیت تحقیق بیشتر رهنمون می‌سازد.

## ۱-۳. اهداف تحقیق

هدف از نگارش اثر حاضر در وهله اول معرفی و تبیین انواع موانع اجرای احکام کیفری و در وهله ثانی بررسی آثار موانع و چگونگی مواجهه با آنها و تبیین وظایف مقام قضایی مجری حکم است. با توجه به اینکه کلیه موانع اجرای احکام در این اثر مورد کنکاش قرار می‌گیرد انتظار می‌رود در کنار سایر آثار در زمینه اجرای احکام موجبات اتخاذ رویه واحد در دوائر اجرای احکام را فراهم نماید.

## ۱-۴. پرسش‌های تحقیق

مهم‌ترین سؤالاتی که در ذهن نگارنده نقش بسته و تلاش می‌شود تا در کار تحقیقی حاضر پاسخی به آن داده شود عبارتند از :

۱- انواع و مصادیق موانع اجرای احکام کیفری کدامند؟

۲- آیا موانع اجرای حکم پیش‌بینی شده در حقوق کیفری ایران منطبق با اصول کیفری است؟

۳- مقام قضایی صالح در صورت بروز موانع قانونی اجرای احکام با چه تکلیفی مواجه است؟

## ۱-۵. فرضیات تحقیق

مفروضات ذهنی نگارنده با توجه به سؤالات اصلی تحقیق به شرح ذیل می‌باشند:

۱- موانع قانونی اجرای احکام در حقوق کیفری ایران به صورت موانع دائمی یا تأخیری با مصادیق گوناگون پیش بینی شده‌اند.

۲- موانع اجرای احکام مغایرتی با اصول حقوق کیفری ندارند.

۳- مقام قضایی مجری حکم کیفری با در نظر گرفتن مقررات قانونی، رویه‌های قضایی و دکترین حقوقی در مواجهه با موانع گوناگون در روند اجرای احکام کیفری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

## ۱-۶. پیشنهاد تحقیق

جستاری در آثار حقوقی نشان می‌دهد اگر چه پیرامون اجرای احکام کیفری کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های حقوقی تألیف و ارائه گردیده است، لیکن در زمینه خاص موانع اجرای احکام بایستی اذعان نمود که این موضوع به طور پراکنده و در لابلای موضوعات اجرای احکام مورد بررسی قرار گرفته و مطالب مطروحه در این خصوص جامع و مانع نمی‌باشد. انتظار می‌رود کار تحقیقی حاضر در جهت تکمیل موضوعات و سوابق تحقیقی مورد اشاره باشد.

## ۱-۷. جنبه نوآوری تحقیق

همان‌طور که در قسمت قبلی اشاره کردیم در خصوص موضوع مورد بحث، به صورت پراکنده آثار حقوقی موجود است لیکن از این جهت که در اثر تحقیقی حاضر به‌طور متمرکز

موانع اجرای احکام کیفری مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته و راهکارهای مواجهه با موانع در  
لابه‌لای مباحث در یک مجموعه ارائه شده است می‌توان تحقیق را در نوع بدیع دانست.

**۲. موانعی که موجب عدم اجرای مجازات مقرر در حکم دادگاه**

**می گردند**

در بررسی موانع اجرای احکام کیفری با موانعی روبرو می‌شویم که به نحوی از انحاء موجب عدم اجرای مجازات مقرر در حکم دادگاه می‌گردند. برخی از این موانع به‌صورت دائمی موجب سقوط و توقف اجرای حکم می‌شوند و برخی دیگر به طور مشروط یا با تجویز مجازات بدلی موجبات عدم اجرای مجازات مقرر در حکم دادگاه را فراهم می‌نمایند. در این فصل موانع مزبور را در دو مبحث جداگانه به شرح آتی تبیین و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## **۲-۱. موانع دائمی عام اجرای احکام کیفری**

در بررسی موانعی که موجب عدم اجرای مجازات مقرر در حکم دادگاه می‌شوند آن دسته از موانعی که به طور دائمی اجرای مجازات‌های مورد حکم را منتفی می‌سازند، خودنمایی می‌کنند. این موانع عبارتند از : ۱- فوت محکوم علیه در مجازات‌های شخصی ۲- گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت ۳- عفو ۴- نسخ مجازات قانونی ۵- مرور زمان ۶- سایر موارد.

به‌جز مورد آخر که در برگیرنده موانع خاص و پراکنده است سایر موانع جملگی در ماده ۶ ق.آ.د.ک مورد تشریح قرار گرفته‌اند. در ماده مذکور مقنن تصریح نموده اجرای مجازات و تعقیب امر جزایی موقوف خواهد شد. اگر چه حقوقدانان موارد یاد شده را از عوامل سقوط



مجازات می‌دانند<sup>۱</sup> با این حال از این نظر که با حدوث هر کدام از عوامل مزبور اجرای حکم کیفری با مانعی روبرو می‌شود که توقف عملیات تعقیبی و اجرایی را در پی دارد می‌توان آن‌ها را به عنوان موانع دائمی اجرای احکام کیفری محسوب نمود. به تعبیر دیگر در روند اجرای محکومیت‌های مقرر در دادنامه، خواه در مرحله تعقیب و جلب محکوم‌علیه و خواه در مرحله دسترسی به وی و شروع به اجرا، با تحقق هر کدام از اسباب مورد نظر اجرای مجازات با مانعی روبرو می‌شود که نتیجه آن توقف اجرای حکم است. لذا موارد شش‌گانه فوق‌الذکر را تحت عنوان موانع دائمی اجرای احکام کیفری که موجب سقوط مجازات مقرر در حکم دادگاه می‌شوند، در گفتارهای جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

## ۲-۱-۱. فوت محکوم علیه

فوت محکوم‌علیه یکی از موانع دائمی است که در هر مرحله از مراحل رسیدگی به ویژه در مرحله اجرای احکام موجب عدم تعقیب بزهکار و سقوط مجازات می‌گردد. به عبارت دیگر پایان حیات محکوم علیه مانعی بر سر اجرای حکم قطعی و لازم‌الاجرای صادره از سوی دادگاه است. فلسفه سقوط مجازات نیز کاملاً روشن و بدیهی است چرا که با فوت محکوم‌علیه امکان ارباب و مجازات او از بین رفته و اهداف مورد انتظار مجازات‌ها محقق نخواهد شد. به تعبیر دیگر اعمال مجازات به منظور تنبه و ارباب و باز اجتماعی شدن انسان زنده است در حالی که محکوم‌علیه یا متهم متوفی موضوع تکلیف نیست تا قابل مجازات باشد.

به رغم عام‌الشمول بودن مانع یاد شده باید اذعان کنیم که فوت محکوم‌علیه به طور مطلق، کلیه مجازات‌های مورد حکم را ساقط و بی‌اثر نمی‌سازد بدین توضیح که در بررسی

---

<sup>۱</sup> - محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۸)، ص ۲۲۶ - محمد باهری، حقوق جزای عمومی (تهران: انتشارات رهام، چاپ اول، ۱۳۸۱)، ص ۳۵۱ - محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، (تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰)، ص ۱۸۰ - ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۰)، ص ۳۶۵.

مجازات‌ها می‌توان دریافت که برخی از آن‌ها شخصی و مستقیماً مرتبط با آزادی، بدن، حیثیت و اعتبار شخص بزهکار می‌باشد در حالی که برخی دیگر بدون توجه به شخصیت و حیثیت و حقوق فردی بزهکار صرفاً جنبه جبران خسارات داشته و به طور ذاتی مرتبط با اموال محکوم‌علیه می‌باشند.

واضح و مبرهن است که در مجازات‌های شخصی با فوت محکوم‌علیه اجرای مجازات و تأدیب وی امری محال و سالبه به انتفاء موضوع است و بر همین مبنا در بند اول ماده ۶ ق.آ.د.ک فوت محکوم‌علیه مقید به مجازات‌های شخصی شده است. این در حالی است که در مجازات‌های غیر شخصی و مالی حتی با فوت محکوم‌علیه به تقاضای شاکی حکم دادگاه در خصوص اموال و ماترک محکوم‌علیه متوفی اجرا می‌گردد.

برای نمونه مجازات قصاص، حبس و شلاق با فوت محکوم‌علیه ساقط می‌گردند لیکن در خصوص دیات از این نظر که مجازات ذوجنبتین می‌باشد (هم جنبه جبران خسارت دارد و هم جنبه تنبیه و ارعاب) و جنبه مالی و جبران خسارت آن به جنبه تنبیه و تنبه بزهکار غلبه دارد، با فوت وی ساقط نمی‌گردد. در حقیقت میزان دیه مورد حکم همچون سایر دیون که بر ذمه متوفی قرار دارد قبل از تقسیم ترکه از ماترک اخذ و به شاکی خصوصی (زیان دیده) پرداخت می‌شود.<sup>۱</sup>

در خصوص سقوط مجازات جزای نقدی در صورت فوت محکوم‌علیه اتفاق نظر وجود ندارد. برخی اساتید<sup>۲</sup> بر این باورند که جزای نقدی، مجازات شخصی است چرا که در صورت عجز از پرداخت، محکوم‌علیه بایستی حبس بدل از جزای نقدی تحمل نماید، لیکن برخی

---

<sup>۱</sup> - نظریه مشورتی ۷/۶۴۵۷-۱۱/۱۸-۱۳۶۷/ح.ق

<sup>۲</sup> - محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۳، (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم، تابستان ۱۳۸۴)، ص ۱۳۵ - محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: نشر میزان، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۴)، ص ۲۵۷.

حقوقدانان<sup>۱</sup> معتقدند با صدور حکم قطعی و فعلیت آن به میزان مال مورد حکم، مالکیت محکوم‌علیه در زمان حیات و مالکیت ورثه در زمان ممات، سلب و به تملک دولت در می‌آید و به عبارت دیگر جزای نقدی مجازات غیر شخصی و مرتبط با مال تلقی می‌گردد که ذاتاً متوجه مال محکوم‌علیه است نه خود او.

هرچند عقاید مذکور قابل احترام است لیکن از باب تجزیه و تحلیل مسائل حقوقی به عقیده نگارنده در مقام تشخیص شخصی یا مالی بودن مجازات و سقوط و توقف اجرای حکم در صورت فوت محکوم‌علیه باید حسب مورد با مذاقه و تأمل در فلسفه تقنین و تشریح مجازات اتخاذ تصمیم نمود و بر همین مبنا در مجازات‌هایی که غرض اصلی از وضع آن تنبیه و تنبه بزهکار بوده با فوت وی موضوع اجرای مجازات را منتفی و غیر قابل اجرا دانست و برعکس در مواردی که هدف، جبران خسارت و ضرر و زیان شاکی و زیان‌دیده یا استرداد اموال موضوع بزه است باید عقیده داشت که مجازات مورد حکم متوجه اموال و ماترک متوفی بوده و علی‌القاعده بایستی همانند سایر دیون قبل از تقسیم ترکه، موضوع حکم از آن‌ها استیفا گردد.

با در نظر گرفتن قاعده مذکور به این نتیجه می‌رسیم که دیات و نیز موضوع رد مال ناشی از جرم مواردی هستند که حتی با فوت محکوم‌علیه، حکم کیفری متوقف نمی‌گردند لیکن جزای نقدی و مصادره اموال که در حقیقت برای تنبیه بزهکار وضع شده‌اند و فی‌نفسه جنبه جبران خسارت ندارند ساقط و پرونده اجرایی با قرار موقوفی اجرا مختومه خواهد شد. در پاسخ به مخالفین نیز می‌توان به این نکته اشاره نمود که دولت و حاکمیت هیچ‌گونه طلبی از

---

<sup>۱</sup> - محمد باهری، نگرشی بر حقوق جزای عمومی (تقریرات درسی)، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۰)، ص ۴۷۲ - اصغر احمدی موحد، اجرای احکام کیفری، (تهران: نشر میزان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۶)، ص ۱۴۳.

افراد ندارد اعمال مجازات از نوع جزای نقدی و یا مصادره اموال از باب تنبیه افراد خاطی اجتماع است نه جبران خسارت وارده به اجتماع.<sup>۱</sup>

در صورتی که قاتل عمد قبل از اجرای حکم قصاص به دلیلی فوت نماید این موضوع نیز قابل طرح است که با فوت محکوم علیه در مجازات قصاص آیا اساساً مجازات منتفی می‌گردد یا قصاص ساقط می‌شود و به اولیاء دم مقتول در صورت مطالبه، دیه پرداخت می‌شود. در پاسخ بایستی اظهار داشت مجازات قصاص و سلب حیات در بزه قتل عمدی مجازات ذاتی و اصلی است که در صورت وجود شرایط اجرا و عدم درخواست قصاص از ناحیه اولیاء دم و مطالبه دیه، مجازات اصلی ساقط شده و حکم به تأدیه دیه از حق اولیاء دم صادر می‌شود.<sup>۲</sup>

البته استثنایی بر موضوع یاد شده وجود دارد و آن اینکه هرگاه قاتل عمد توسط افراد عادی یا مأمورین مراقبتی فرار کند یا فراری داده شود و فرار محکوم علیه به فوت وی بیانجامد، عامل فرار به پرداخت دیه در حق اولیاء دم محکوم خواهد شد.<sup>۳</sup>

نکته قابل توجه اینکه با فوت بزهکار اگرچه مجازات‌های شخصی وی منتفی می‌شود لیکن سقوط مجازات یا توقف تعقیب، تأثیری در تعقیب و اجرای مجازات سایر مداخله‌کنندگان در بزه از جمله مباشرین و معاونین جرم ندارد.<sup>۴</sup> قانونگذار نیز در ماده ۴۴ ق.م.ا به این موضوع تصریح نموده است. ماده مذکور چنین اشعار می‌دارد «در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد یا تعقیب و اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.»

<sup>۱</sup> - نظریه مشورتی، ۷/۸۵۹۴ - ۸۲/۱۱/۵ - ج.ق.

<sup>۲</sup> - ماده ۲۵۹ ق.م.ا «هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است بمیرد قصاص و دیه ساقط می‌شود.»

<sup>۳</sup> - ر.ک به مواد ۵۴۹، ۵۵۱ ق.م.ا.

<sup>۴</sup> - محمد حسین شاملو احمدی، دادسرا و تحقیقات مقدماتی (اصفهان: نشر دادیار، چاپ اول، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۸.